

سیاست هویت (۳ از ۳)

جامعه شناسی انتقادی ریشه در رویکرد تفسیری دارد ولی به دنبال ملاک‌هایی برای داوری علمی درباره ارزش‌ها و هنجارها است و نمی‌خواهد به این وضعیت تن دهد که داوری ارزش‌ها، بیرون از دایره علم صورت گیرد، در آن صورت سرنوشت ارزش‌ها به مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود.

رویکرد انتقادی می‌خواهد ظرفیت افشاگری و رهایی بخشی را برای علوم اجتماعی نگه دارد و این نقش را در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌بیند و انتظار دارد علوم اجتماعی با تشخیص و افشای سلطه در مناسبات انسانی، به رهایی انسان کمک کند.

از درون رویکرد تفسیری، جریان دیگری نیز شکل می‌گیرد که چنین کارکردی را برای علوم اجتماعی ناممکن می‌شمارد و راه رهایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند

و معتقد است خود علم با «درست و غلط دانستن» و «خوب و بد کردن امور» سلطه‌گری می‌کند؛

بشر همواره به سرکوبی که از طریق قدرت و ثروت صورت می‌گرفت حساس بود و اکنون متوجه سرکوبی‌ای است که به وسیله دانش اعمال می‌شود و دیگر به آن تن نمی‌دهد.

امروزه این هشدارها به جامعه‌شناسان داده می‌شود که شما «اشیا» و «ابراز» را بررسی نمی‌کنید. شما اشخاص، جوامع و **فرهنگ‌ها** را مطالعه می‌کنید که هویت دارند؛ شما در مورد **هویت‌ها** و ارزش‌ها سخن می‌گویید و در حال **قضاوت** و تغییر آن‌ها هستید.

شما از چشم **فرهنگی** و هویتی به فرهنگ‌ها و هویت‌ها می‌نگرید نه از منظری جهان شمول که به همه هویت‌ها و فرهنگ‌ها با **یک چشم** نگاه می‌کند. شما همواره مشغول **پیش بردن** برخی فرهنگ‌ها و هویت‌ها و **پس راندن** برخی دیگر هستید.

در این رویکرد، **بخشی** از یک حقیقت مغفول، آشکار می‌شود. هر **نظریه‌ای** درون فرهنگ و تاریخ خود **تولید** می‌شود و هر فرهنگ و هویتی می‌تواند **نظریه‌های** متناسب با خود را تولید کند.

هیچ فرهنگ و هویتی **نمی‌پسندد** که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه فرهنگی و تاریخی **دیگری** شکل گرفته اند.

هر گروه، **جامعه** و فرهنگی می‌خواهد از **چشم** خودش به خود بنگرد و نه از چشم دیگران.

بی‌شک به **حاشیه راندن** و حذف هویت‌های انسانی و فرهنگی **ناپسند** و مخالفت با این امر ناپسند و **مبارزه** با آن، ارزشمند است.

گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و **اصالت بخشیدن** به آن به معنای انکار اشتراک و **وحدت** انسان‌هاست و فرصت گفت‌وگو و معارفه انسان‌ها و فرهنگ‌ها را از بین می‌برد.

اگر ادعا شود **دانش**، تماما محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است و جوامع و فرهنگ‌ها نیز **متفاوت‌اند** - تازه **درون** هر جامعه‌ای گروه‌های مختلف وجود دارند و درون هر گروهی افراد مختلف وجود دارند - و هر **گروه**، جامعه و فرهنگی نیز **دانش خاص** خود را تولید می‌کند؛

پایبندی کامل به این رویکرد، امکان **شناخت واقعی** را از انسان‌ها می‌گیرد و قطعاً **رویکردی** که اساس **دانش** را **انکار** می‌کند نمی‌تواند قابل قبول باشد.

مدرسه مجازی اینو